

نقش زنان در فقرزدایی براساس اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد

علی اصغر پورعزت،^۱ آرین قلی پور،^۲ مصطفی نجاتی آجی بیشه،^۳ غزاله طاهری عطار^۴

چکیده

بشر در حیات اجتماعی خود با بحران‌های متعددی مواجه است که مدیریت آن مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از نگرش‌های دور و نزدیک است. فقر نیز یکی از دیرپاترین بحران‌های جوامع بشری است که در طول تاریخ، تعداد بسیاری از انسان‌ها را درگیر خود ساخته است. شاید یکی از دلایل دیرپایی این بحران، روش‌های نامناسب مواجهه با آن باشد؛ بدیهی است که حل چنین مسائلی باید در گذر نسل‌ها و در چشم‌انداز بلندمدت صورت پذیرد و به‌ویژه نیروهای جوان را درگیر سازد؛ جوانانی که سازندگان جامعه آینده‌اند و نوع نگاه آن‌ها به هر مسأله نقش مهمی در شیوه مواجهه با آن مسأله دارد.

در میان جوانان، نقش بانوان به لحاظ تأثیر در شیوه‌های تربیتی و آموزشی نسل‌های آینده، حایز اهمیت ویژه‌ای است. از این رو در پژوهش حاضر ضمن تأمل بر اهداف سند ملی توسعه امور جوانان و تأکیدات اهداف توسعه هزاره، نقش دختران در مواجهه با مسأله فقر در آینده بررسی شده است.

نتایج پژوهش نشان از آن است که دختران جوان ساکن کشورهای فقیر آن را به مثابه یک واقعیت موجود پذیرفته‌اند که همین امر موجب انتقال این تفکر به آیندگان می‌شود، در حالی که دختران جوان شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی "ائتلاف جهانی برای مشارکت شهروندان" که معمولاً از اقشار متوسط و بالاتر کشورهای گوناگون بودند، به اهمیت مبارزه با فقر و فقرزدایی ایمان داشتند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت اجتماعی، دختران جوان، فقر و نسل آینده، اهداف توسعه هزاره.

دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۵ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲۸

مقدمه و بیان مسأله

فقر از جمله دیرپاترین مسائل حیات بشری است که به‌ویژه در دهه‌های اخیر ابعاد فزاینده‌ای پیدا کرده است (Wilson & Wilson, 1993: 335; Todaro, 1997: 685). به طوری که علی‌رغم تلاش‌های جهانی برای ریشه‌کنی فقر، هم‌چنان در هر عصر، زندگی میلیون‌ها نفر انسان را در عرصه جهانی تباہ می‌سازد. تا حدی که گزارش شده است در ابتدای هزاره سوم، بیش از هشتصد میلیون نفر (یعنی در

1. Pourezzat@ut. ac. ir

2. Agholipour@ut. ac. ir

3. Mostafe. nefati@gmail. com

4. Gha_taheri@yahoo. com

۱. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری حسابداری مدیریت دانشگاه ساینس، مالزی

۴. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی

حدود ۱۹ درصد مردم جهان) با درآمدی کم‌تر از یک ریال در روز، در فقر مطلق به سر برده‌اند (United Nations, 2007b).

مطالعه درباره فقر و گذر از آن، به‌ضرورت با این پرسش آغاز می‌شود که چگونه می‌توان فقر را تعریف کرد! براساس استاندارد مفهوم فقر در آمریکا، فقر ماهیتی مطلق داشته و بر مبنای درآمد مورد نیاز برای خرید کالاها و خدمات ضروری برای تأمین سطح حداقل زندگی تعریف می‌شود (O'Boyle, 1998). از یک دیدگاه فراگیرتر نیز فقر عبارت است از ناتوانی در تأمین حداقل استاندارد زندگی (Jimba, 2000). گاهی نیز تأکید می‌شود که فقر عبارت است از ناتوانی در تأمین شرایط رشد و تکامل شخصیتی و بالفعل ساختن قابلیت‌ها (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). بنابراین فقر مفهومی پویا و پیچیده داشته، تعاریف متعددی درباره آن ارائه شده و ابعاد گوناگون آن را هدف قرار داده‌اند (Sen, 1976; Kakwani, 1980; Chakravarty, 1983; Foster & et al., 1984; Shorrocks, 1995; Thon, 1979 & 1983).

در واقع فقر یکی از بدترین واقعیت‌های زندگی اجتماعی است که فراگرد توسعه و تعالی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده، مفهومی به‌نسبت پیچیده دارد. این مفهوم در حالت کلی بر ناتوانی در دستیابی به حداقل استاندارد زندگی و انواع گوناگون محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی، در میان افراد فاقد مالکیت، تسلط و دسترسی به منابع کافی اشاره دارد؛ از این رو برای بررسی ابعاد گوناگون آن، شاخص‌های متنوعی مورد توجه قرار می‌گیرند (Ullah and Routray, 2007; Hye, 1996).

اما مسأله بسیار مهم، ماهیت رویکرد پدیدارشناسانه جامعه به فقر است؛ یعنی مهم این است که جامعه فقر را چگونه ارزیابی، تعریف و تحلیل می‌کند؛ زیرا دیدگاه‌های متفاوتی درباره نحوه ابتلا به فقر وجود دارد؛ برخی از پژوهشگران فقر را پیامد ویژگی‌ها و ناتوانی‌های فردی می‌دانند (Burton, 1992; Rank, 1994)، در حالی که برخی دیگر معتقدند که فقر یک انتخاب فردی نیست و این مردم نیستند که فقر را ایجاد می‌کنند بلکه مؤسسات و خط‌مشی‌های نهادهای اجتماعی پدیدآورندگان اصلی فقرند (Elahi and Danopoulos, 2004).

در آستانه هزاره سوم در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی، رهبران و حاکمان جهان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، مجموعه‌ای از اهداف قابل‌اندازه‌گیری و دارای بازه زمانی محدود را مدنظر قرار دادند و متعهد شدند که با فقر، گرسنگی، انواع بیماری، بی‌سوادی، نابودی محیط‌زیست و تبعیض علیه زنان، به‌مثابه مهم‌ترین مشکلات بشر مبارزه کنند. به‌نظر می‌رسد که در صورت تلاش برای تحقق این اهداف، برای همگان زندگی بهتری تضمین خواهد شد؛ زیرا این اهداف به‌منظور کاهش سطح فقر، بهبود سطح سلامت، و افزایش سطح رفاه مردم در یک بازه زمانی مشخص، تدوین شده‌اند (Curtis, 2006). اهداف مذکور با عطف توجه به افق زمانی ۲۰۱۵ میلادی با عنوان "اهداف توسعه هزاره سازمان ملل" شهرت پیدا کرده‌اند (جدول ۱). این اهداف هشت‌گانه را می‌توان به منزله چشم‌اندازی مطلوب

برای سازمان ملل متحد^۱، نهادهای جامعه مدنی، بخش خصوصی، رسانه‌ها، و مراکز دانشگاهی مورد توجه قرار داد تا بر اساس آن‌ها برای تحقق آینده‌ای مشترک و در دسترس، به فعالیت هماهنگ و یکپارچه بپردازند (Millennium Project, 2003; United Nations, 2002, 2007a, 2007 b; UNV, 2003).

جدول ۱: اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد (برنامه توسعه ملل متحد در ایران، ۱۳۸۳)

هدف	گزاره
۱	ریشه‌کنی گرسنگی و فقر مطلق
۲	محقق ساختن امکان تحصیلات ابتدایی برای همگان
۳	تقویت برابری حقوق جنسیت‌ها و توان‌مندسازی زنان
۴	کاهش مرگ‌ومیر کودکان
۵	بهبود سلامت مادران
۶	مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر امراض مسری
۷	تضمین پایداری و محافظت از محیط‌زیست
۸	تمهید مشارکت جهانی برای توسعه

با این حال، با وجود برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته به منظور تحقق اهداف توسعه هزاره تا سال ۲۰۱۵ میلادی، گزارش سال ۲۰۰۷ میلادی سازمان ملل متحد (United Nations, 2007b) نشان از آن است که علی‌رغم گذشت حدود هفت سال از زمان تصویب اهداف توسعه هزاره و پیشرفت نسبی در زمینه برخی از اهداف، در برخی از مناطق جهان همچنان مسأله فقر جدی است و در مواردی نیز علی‌رغم کاهش آن، شتاب کاهش فقر کم‌تر از حد مورد انتظار در سند توسعه هزاره است، این وضع تا سال ۲۰۰۹ نیز چندان تغییری نکرده است (The Millennium Development Goals Report, 2009)؛ بنابراین با رویکردی آینده‌پژوهانه می‌توان تصور کرد تا سال ۲۰۱۵ میلادی، هدف اول از مجموعه اهداف توسعه هزاره، مبنی بر ریشه‌کنی گرسنگی و فقر مطلق از جهان، محقق نخواهد شد و متأسفانه این روند همچنان ادامه پیدا خواهد کرد؛ زیرا مسأله فقر با بخش‌نامه حل نمی‌شود و نیازمند توجه عمیق به ریشه‌های اجتماعی آن است.

به این ترتیب ضرورت بهره‌گیری از حداکثر توان به منظور تقویت تلاش‌ها و اقدامات معطوف به فقرزدایی، بیش از پیش مشخص می‌شود. باید توجه داشت که توفیق تلاش‌های معطوف به ریشه‌کنی فقر، مستلزم جلب مشارکت جدی جوانان است؛ زیرا جوانان به مثابه آینده‌سازان جوامع بشری و نیروهای مؤثر اجتماع، زمینه‌ساز و پاسخ‌گوی بنیانی‌ترین تغییرات اجتماعی بوده، با در اختیار داشتن

ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوان، نقش مهمی در شکل‌دهی سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و علمی ایفا می‌کنند. در این میان، زنان با توجه به نقش ویژه‌ای که در تربیت نسل‌های آینده و سازندگی و مدیریت نهاد خانواده دارند، از موقعیت بسیار حایز اهمیتی برای شکل‌دهی و تقویت برنامه‌های توسعه برخوردارند.

به این ترتیب در تحلیل نحوه نگرش افراد به فقر می‌توان ادعا کرد که نحوه نگرش دختران جوان به فقر، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وضعیت فقرا در جهان آینده خواهد داشت. بنابراین ادعای اصلی پژوهش آن است که:

نوع نگاه غالب دختران جوان به فقر، تأثیر قابل توجهی بر وضعیت فقر در آینده خواهد داشت!
و بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق عبارت است از این که:

دختران جوان چگونه به پدیده فقر می‌نگرند و چگونه با آن مواجه می‌شوند؟

در این پژوهش براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱، جوانان در پیوستار سنی بین ۱۵ تا ۲۴ سال در نظر گرفته شده‌اند (UNICEF, 2003: 2). هر چند مطابق تعریف سند ملی توسعه سامان‌دهی امور جوانان، افراد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، جوان محسوب می‌شوند (سند ملی توسعه ویژه فرابخشی سامان‌دهی امور جوانان، ۱۳۸۶).

براساس گزارش جهانی جوانان سازمان ملل متحد (United Nations, 2003: 82)، به طور متوسط در حدود ۲۳۸ میلیون جوان (یعنی ۲۳ درصد از کل جوانان جهان)، در فقر مطلق و با درآمد کم‌تر از یک دلار در روز به سر می‌برند. در این میان، براساس مطالعات پژوهشگران، زنان بیش‌تر از مردان در معرض خطر فقر قرار دارند؛ زیرا از عمده امکاناتی که برای توان‌مند شدن و مبارزه با فقر و کاهش آن لازم است، محرومند (Chant, 2003; Kabeer, 1996)؛ یعنی میزان امید واقعی و عینی به بهبود زندگی و گریز از چرخه باطل فقر و عقب ماندگی (پورعزت، ۱۳۸۷؛ ۳۳۶: 685، 1997) در میان دختران کم‌تر است.

نکته مهم این است که باید جوانان را به مثابه عاملان اصلی و مؤثر بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در فراگرد توسعه در نظر گرفت؛ زیرا با توجه به حضور رو به افزایش آن‌ها در مؤسسات غیر حکومتی^۲ و رشد تعداد آنان در کمیته‌ها و هیأت‌های مشورتی برنامه‌ها و مؤسسات بین‌المللی، نقش آن‌ها در شکل‌دهی جهان آینده رو به افزایش است (Ad Hoc Working Group for Youth and the MDGs, 2005, i) و می‌توان با قوت ادعا کرد که جهان آینده، ساخته جوانان امروز است.

این مسأله مهم در حالی مورد تأکید قرار می‌گیرد که متأسفانه میزان مشارکت جوانان و به‌ویژه دختران ایرانی در فراگرد توسعه ملی از سایر کشورهای در حال توسعه به مراتب پایین‌تر است تا جایی

که آمارها نشان از آن است که میزان مشارکت دختران و زنان ایرانی در توسعه، حدود ۱۵ درصد است (علاءالدینی و رضوی، ۱۳۸۳). برای مثال، درصد کرسی‌هایی که طی هفت دوره اول مجلس شورای اسلامی در اختیار زنان بوده است، هیچ‌گاه از ۱۰ درصد تعداد نمایندگان بیش‌تر نشده است (خبرنامه امیرکبیر، ۱۳۸۴).

بدون شک، ارائه راهکار برای تغییر چنین وضعی موجب افزایش توانمندی و توسعه قابلیت‌های انسانی و حرفه‌ای زنان خواهد شد؛ ضمن این که ادعای پژوهشگران آن است که از راه توان‌مندسازی دختران و زنان می‌توان شرایط تقویت زمینه‌های مشارکت فعال و افزایش تلاش آن‌ها را برای احقاق حقوق خود فراهم ساخت. بنابراین باید به جای پرداختن به فقر به مثابه یک واقعیت محتوم، توان‌مندسازی را به مثابه مهم‌ترین راه‌گریز از آن مدنظر قرار داد، به‌ویژه با توجه به نظریه‌های علمی جدیدی که مهم‌ترین راه نیل به عدالت اجتماعی و فقرزدایی را توان‌مندسازی عامه می‌دانند (Pourezzat, 2009).

توان‌مندسازی، فراگردی است که افراد از راه آن برای مشارکت فعال در حوزه‌های اجتماعی گوناگون، مجال پیدا می‌کنند و با ادراک حقوق خویش و به‌کارگیری فرصت‌های پیشرفت و توسعه توانایی‌های خود، به توسعه اجتماعی جامعه خود کمک می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده نشان از آن است که عواملی مانند سطح تحصیلات، میزان آموزش شغلی و وضعیت سلامتی بر احتمال فقیرشدن تأثیر می‌گذارند (27: Hong & Padney, 2007) و از توانمندی آحاد جامعه می‌کاهند؛ در حالی که عواملی مانند تأمین امکان ادامه تحصیل، آموزش و توسعه بهداشت و سلامت عمومی، توانمندی افراد را برای پذیرش اختیار و تعهد مسؤولانه به اداره شرایط اجتماعی خود بهبود می‌بخشند؛ بنابراین تأکید می‌شود که از راه توان‌مندسازی می‌توان زمینه‌های ابتلا به وضعیت فقر را از میان برداشت.

توان‌مندسازی برای بهبود نگاه به فقر

با رجوع به ادبیات علمی تولید شده پس از سال ۲۰۰۰ ملاحظه می‌شود که توان‌مندسازی از جایگاه ویژه‌ای برای نیل به عدالت و فقرزدایی برخوردار است (Nanik, 2008; Narayan-Parker, 2002 ; Puthenkalam, 2004; Bigsten et al. 2003). در واقع این باور شکل گرفته است که راه‌گریز از چنگال فقر، توانمندی کلیه آحاد جامعه است؛ یعنی توانمندی همه کسانی که به نوعی با مسأله فقر مواجه می‌شوند؛ توانمندی همه ذینفعان حل فقر!

مهم‌ترین ذینفعان حل فقر عبارتند از:

الف: فقرا؛

ب: نیکوکاران؛

ج: نهادهای مسؤول فقرزدایی؛

د: همه کسانی که در آینده ممکن است دچار فقر شوند (همه مردم).

بدیهی است که در میان این ذینفعان، نقش زنان و دختران بسیار مهم است. توجه شود که این پژوهش مدعی آن است که رفع فقر ممکن نیست مگر در صورت تغییر نگرش به آن. پس تأکید می‌شود که اگر قرار است که نگرش عامه به فقر تغییر کند، در این میان نقش زنان و دختران جوان از حیث نحوه نگاه به زندگی آینده بسیار مهم بوده، سهم عمده‌ای در تغییر و تحول نگاه جهانیان به پدیده فقر دارد.

یکی از مهم‌ترین الزامات توان‌مندسازی، افزایش حق انتخاب است؛ حق انتخابی که به شدت در گرو دسترسی به اطلاعات کافی است. یکی دیگر از الزامات توان‌مندسازی، افزایش حس اعتماد به نفس افراد و احساس مفید بودن در آن‌ها است. اشپرایتزر (۱۹۹۵) معتقد است که در فراگرد توان‌مندسازی با پذیرش مسؤولیت کار و اتخاذ تصمیم‌های مرتبط با آن، توانایی کنترل امور و طراحی کار و سازمان‌دهی نیز به افراد آموخته می‌شود؛ با احساس مؤثر بودن و تعیین‌کننده بودن و اعتماد به نفس، نوعی احساس معناداری و داشتن حق انتخاب برای افراد ایجاد می‌شود (Spreitzer, 1995)؛ در واقع توان‌مندسازی موجب افزایش عزم افراد برای بهبود مستمر وضع موجود می‌شود؛ از این رو در نظریه‌های جدید اقتصادی برای فقرزدایی به طور قابل توجهی به توان‌مندسازی اشاره شده است (Mestrum, 2005)؛ حتی در اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد نیز به توان‌مندسازی توجه ویژه‌ای شده است (Satterthwaite, 2003: 8)؛ زیرا توان‌مندسازی موجب بهبود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های افراد فقیر و افزایش قدرت بیان و اظهارنظر در تصمیم‌هایی که بر سرنوشت آنان تأثیرگذار است، می‌شود و موانع مشارکت افراد فقیر در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را از میان می‌برد (World Bank, 2004: 36).

زنان جوان و توان‌مندسازی در برابر فقر

کلر^۱ (۲۰۰۲)، توان‌مندسازی زنان را "فراگردی می‌داند که طی آن، زنان قادر می‌شوند اتکا به نفس خویش را افزایش داده، به حق انتخاب مستقل دست پیدا کنند و خود را سامان‌دهی و منابع را کنترل نمایند". بنابراین توان‌مندسازی، شرایط مشارکت فعالانه زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماع و افزایش اثربخشی نقش آن‌ها را در اجرای برنامه‌های توسعه فراهم می‌کند.

از این رو ضرورت دارد تا برنامه‌های مدون و مشخصی برای تقویت توان‌مندی‌ها و ایجاد فرصت به‌کارگیری و ابراز توانمندی زنان در جامعه فراهم شود. در طی چند دهه گذشته، تعدادی از کشورهای جهان، فراگرد طراحی و اجرای خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های ملی خود را با نگاه ویژه به جوانان، آغاز کرده‌اند. با وجود این بسیاری از این کشورها، ساختارهای مشخص و معینی برای مشارکت موثر جوانان ندارند (Ad Hoc Working Group for Youth and the MDGs, 2005: 4). ضمن این‌که

معمولاً برنامه‌های بهبود به طور کلی طراحی می‌شود و وضعیت متمایز زنان و به‌ویژه دختران جوان را نادیده می‌گیرند! اگرچه در اختیار داشتن ساختارهای مشخص برای مشارکت جوانان در برنامه‌های توسعه، امتیازی بسیار مهم و تعیین‌کننده است ولی ضرورت دارد که نقش بانوان جوان نیز در این مهم به نحوی متمایز مدنظر قرار گیرد.

یک مطالعه کلی در سطح جهانی - بررسی ابعاد موضوع فقر از دیدگاه دختران

در یک نظرسنجی، پرسشنامه‌ای در اختیار ۱۱۰ نفر از دختران شرکت‌کننده در همایش "ائتلاف جهانی برای مشارکت شهروندان"^۱ که در سال ۲۰۰۷ در اسکاتلند برگزار شد، قرار گرفت و دیدگاه آنان درباره فقر، با تأکید بر مجموعه‌ای از سؤالات متنوع مورد سنجش قرار گرفت. از ۱۱۰ پرسشنامه توزیع شده، ۱۰۰ پرسشنامه عودت داده شد (نرخ بازگشتی ۹۱ درصد). میانگین سن افراد نمونه مورد بررسی ۲۱/۳ سال بود؛ جوان‌ترین عضو نمونه ۱۷ سال و مسن‌ترین عضو ۲۵ سال سن داشتند که جدول ۲، پراکندگی جغرافیایی محل سکونت آنان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: پراکندگی جغرافیایی (قاره‌ای) محل زندگی اعضای نمونه مورد بررسی

تعداد	قاره
۱۸	آسیا
۲۵	آفریقا
۴۰	اروپا
۱۴	آمریکا
۳	استرالیا

سؤالات مطرح‌شده برای سنجش دیدگاه شرکت‌کنندگان در این همایش، به طور کلی حوزه‌های ذیل را در بر می‌گرفتند:

الف: نحوه تفکر درباره فقر؛

ب: پیامدهای عادت کردن به فقر و پذیرفتن آن به مثابه جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی؛

ج: میزان احساس مسؤولیت در خصوص فقرا و گرسنگان؛

د: مراتب احساس مسؤولیت در برابر فقر جهانی و تلاش در جهت رفع آن؛

ه: میزان تأکید بر ضرورت برقراری عدالت و پاسخ‌گویی در برابر فقر دیگران و اهتمام به رفع آن؛

و: وجود یا عدم وجود فقر و گرسنگی در کشور محل زندگی؛

ز: تجربه کردن فقر در گذشته؛

ح: دیدگاه آنان درباره کمک به فقرا؛

ط: نظر آنان درباره نقش برگزاری برنامه‌ها و همایش‌های بین‌المللی در آگاهی دادن به جوانان درباره فقر و آثار تلاش آن‌ها بر رفع آن.

جدول ۳، یافته‌های حاصل از این نظرسنجی را نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود، بیش‌تر دختران در نمونه مورد بررسی (۷۲ درصد)، به فقر به مثابه یکی از مسائل مهم و یا دغدغه‌های زندگی خود می‌اندیشیدند و ۸۴ درصد از آن‌ها معتقد بودند که معضل فقر یک مشکل فردی نیست بلکه همگان در برابر آن مسؤولند.

۷۰ درصد از دختران نیز معتقد بودند که تحقق عدالت و حس پاسخ‌گویی می‌تواند به رفع مشکل فقر و گرسنگی در جهان کمک کند. هم‌چنین حدود ۹۴ درصد از دختران بر این باور بودند که برگزاری همایش‌ها، سمینارها و نشست‌هایی با هدف افزایش آگاهی و اطلاع‌رسانی درخصوص برنامه‌ها، پروژه‌ها و راه‌کارهای مبارزه با فقر می‌تواند در کمک به رفع این معضل جهانی مؤثر باشد.

جدول ۳: یافته‌های حاصل از نظرسنجی دختران شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی درباره فقر

درصد فراوانی	پاسخ	موضوع	
∅	بسیار کم اهمیت	میزان اهمیت فقر در نظر پاسخ‌گویان	۱
٪۲۸	کم اهمیت		
٪۴۸	مهم		
٪۲۴	بسیار مهم	میزان ناامیدی به امکان امحای فقر	۲
٪۱۲	بسیار ناامید		
٪۱۲	تاحدودی ناامید		
٪۷۶	بسیار امیدوار به امکان امحای فقر	تنوع دیدگاه‌های پاسخ‌گویان درباره فقر دیگران	۳
٪۶	پذیرش آن به مثابه یک واقعیت		
٪۲	پذیرش ناتوانی در برابر رفع آن		
٪۲	ضرورت اقدام به کاهش آن		
٪۹۰	ضرورت برخورد مسؤولانه برای رفع آن	تنوع دیدگاه پاسخ‌گویان درباره مسؤولیت و توانایی مردم در برابر فقر دیگران	۴
٪۸	نمی‌توان در برابر فقر کار زیادی انجام داد.		
٪۸	دشوار است که بتوان با فقر برخورد کرد.		
٪۸۴	همه در برابر فقر مسؤولند و می‌توانند برای		

	رفع آن اقدام کنند.		
۷۰٪	بسیار زیاد	ارزیابی پاسخ‌گویان از تأثیر توسعه عدالت و پاسخ‌گویی بر کاهش فقر و گرسنگی	۵
۲۸٪	اندک		
۲٪	بی‌تأثیر		
∅	دارای تأثیر منفی		
۶۲٪	بسیار زیاد	سابقه مواجهه با فقر در تجربه نزدیک پاسخ‌گویان	۶
۳۰٪	تا حدودی		
۸٪	بی‌اطلاع از فقر		
۳۸٪	بله، قبلاً فقر را تجربه کرده‌ام.	اظهار مواجهه با تجربه فقر در زندگی	۷
۵۶٪	خیر، قبلاً فقر را تجربه نکرده‌ام.		
۶٪	مطمئن نیستم		
۶۲٪	خیلی عالی و مؤثر است.	دیدگاه پاسخ‌گویان درباره ارزش و تأثیر فقرزدایی	۸
۲۸٪	خوب است اما باید کنترل شده باشد.		
۴٪	نظری ندارم.		
۲٪	هیچ تأثیری ندارد و نمی‌تواند مشکل را رفع کند		
۴٪	فقط مشکل را بدتر می‌کند		
۳۶٪	بسیار زیاد	دیدگاه پاسخ‌گویان درباره تأثیر همایش‌های بین‌المللی بر فقرزدایی و مقابله آگاهانه‌تر با فقر	۹
۵۸٪	تا حدودی		
۶٪	به هیچ وجه		

این نظرسنجی بر مبنای سه فرضیه برنامه‌ریزی شد که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه ۱: بین وجود یا عدم وجود فقر و گرسنگی در کشور محل زندگی و عادت کردن به فقر و پذیرفتن آن به مثابه جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی، رابطه معناداری وجود دارد؛

فرضیه ۲: بین نحوه تفکر درباره فقر جهانی و مسؤول دانستن خود در برابر آن (تلاش در جهت رفع آن)، رابطه معناداری وجود دارد؛

فرضیه ۳: بین نقش برگزاری برنامه‌ها و همایش‌های بین‌المللی در آگاهی دادن به جوانان در خصوص تلاش در جهت رفع فقر و نحوه تفکر درباره فقر جهانی، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

سطح معناداری	ضریب همبستگی	فرضیه‌ها
۰/۰۰۱	* ۰/۳۴۹	بین وجود یا عدم وجود فقر و گرسنگی در کشور محل زندگی و عادت کردن به فقر و پذیرفتن آن به مثابه جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی، رابطه معناداری وجود دارد.
۰/۰۰۱	* ۰/۳۲۷	بین نحوه تفکر درباره فقر جهانی و مسوول دانستن خود در برابر آن (تلاش در جهت رفع آن)، رابطه معناداری وجود دارد.
۰/۰۲۹	** ۰/۲۳۱	بین نقش برگزاری برنامه‌ها و همایش‌های بین‌المللی در آگاهی دادن به جوانان در خصوص تلاش در جهت رفع فقر و نحوه تفکر درباره فقر جهانی، رابطه معناداری وجود دارد.

* در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

** در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

نتایج آزمون فرضیه ۱ نشان می‌دهد که بین وجود یا عدم وجود فقر و گرسنگی در کشور محل زندگی و عادت کردن به فقر و پذیرفتن آن به مثابه جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ یعنی زنان و دخترانی که در کشورهای درگیر فقر زندگی می‌کنند، بیش‌تر به فقر عادت کرده و آن را به منزله جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی خود می‌پذیرند.

نتایج آزمون فرضیه ۲ نشان می‌دهد که بین نحوه تفکر درباره فقر جهانی و مسوول دانستن خود در برابر آن، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به این معنا که هر چه نحوه تفکر درباره فقر جهانی در میان دختران مسوولانه‌تر باشد، احتمالاً تمایل آنان به مشارکت برای مبارزه با فقر افزایش پیدا می‌کند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۳ نیز نشان می‌دهد که بین اعتقاد افراد به نقش برگزاری برنامه‌ها و همایش‌های بین‌المللی درباره تلاش‌های معطوف به رفع فقر و نحوه تفکر درباره فقر جهانی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی دخترانی که نقش برنامه‌ها و همایش‌های بین‌المللی را در آگاهی دادن به جوانان برای تلاش در جهت رفع فقر مهم می‌دانستند، بیش‌تر در خصوص موضوع فقر جهانی فکر کرده و برای آن اهمیت قائل بودند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، براساس دیدگاه دختران شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی "ائتلاف جهانی برای مشارکت شهروندان"، فقر مقوله‌ای واقعی ولی قابل کنترل و اجتناب‌پذیر است.

یک مطالعه موردی: نحوه انعکاس فقر و نقش بانوان در خط مشی‌های جاری ایران

هم‌زمان با تشکیل شورای عالی جوانان در دهه ۱۳۷۰، تلاش‌های جدی و مؤثری برای سامان‌دهی وضعیت جوانان و مشارکت آن‌ها در عرصه‌های گوناگون اجتماع آغاز شد. مطالعات و پژوهش‌های موجود در خصوص وضعیت جوانان کشور، نشان‌دهنده وجود چالش‌هایی کلان در مسیر رشد و تعالی جوانان بود؛ چالش‌هایی که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از اشتغال، مسکن، ازدواج، سلامت، اوقات فراغت، آسیب‌های اجتماعی، مشارکت، هویت و ساختارهای نامناسب مدیریتی. از این رو، به منظور پاسخ‌گویی به نیازها و چالش‌های پیش روی جوانان و با هدف توسعه مفاهیم عمومی میان دستگاه‌های دولتی و غیردولتی اثرگذار در سیاست‌گذاری و اجرا، سند ملی توسعه ویژه ساماندهی امور جوانان، به منزله یک سند راهبردی و فرابخشی نظام توسعه ملی امور جوانان، در سال ۱۳۸۶ در شورای عالی جوانان تدوین و تصویب شد تا زمینه مناسبی را برای تنظیم و اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های یکپارچه و هماهنگ، از راه برنامه‌ریزی منسجم در حوزه‌های گوناگون فراهم کند. این سند شامل سیزده برنامه اجرایی به شرح ذیل بود. یادآوری می‌شود که تاکنون فقط هفت برنامه نخست آن تهیه و تدوین شده و بعد از طی مراحل کارشناسی، به تصویب شورای عالی جوانان رسیده است:

۱. برنامه سامان‌دهی اوقات فراغت جوانان؛
۲. برنامه ملی سامان‌دهی ازدواج جوانان؛
۳. برنامه ارتقای هویت دینی و ملی جوانان؛
۴. برنامه ملی توسعه و ارتقای مشارکت جوانان؛
۵. برنامه ارتقای رفاه و تأمین اجتماعی جوانان؛
۶. برنامه سامان‌دهی اشتغال جوانان و IT؛
۷. برنامه سامان‌دهی مسکن جوانان؛
۸. برنامه حفظ و ارتقای سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی جوانان؛
۹. برنامه شناسایی و تقویت تشکلهای غیردولتی مرتبط با امور جوانان؛
۱۰. برنامه سامان‌دهی مطالعاتی، علمی و پژوهشی حوزه جوانان؛
۱۱. برنامه ملی ارتقای نقش و کارکرد مؤثر نهاد خانواده در امور جوانان؛
۱۲. برنامه سامان‌دهی شاخص‌های امور جوانان؛
۱۳. برنامه اصلاح ساختار و منابع، ارتقا و توان‌مندسازی سازمان‌های مسؤول (دولتی - غیردولتی) در امور جوانان.

با توجه به اهمیت سند ملی توسعه ویژه سامان‌دهی امور جوانان، به مثابه یکی از اسناد راهبردی در برنامه‌ریزی ملی، آگاهی از نوع نگاه و تعامل این سند با مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل

متحد، دورنمای خوبی از جایگاه و نقش جوانان برای مشارکت فعال در برنامه‌های توسعه‌ای جامعه، به‌ویژه با رویکرد تلاش برای مبارزه با فقر به دست خواهد داد.

از این رو، در پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، گزاره‌های اصلی سند ملی توسعه ویژه فرابخشی سامان‌دهی امور جوانان استخراج شد و با استفاده از روش تحلیل منطقی و مطالعه تطبیقی، با مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد مقایسه و تطبیق داده شد تا میزان هم‌راستایی نسبی این دو سند با یکدیگر تعیین شود.

هم‌چنین با مطالعه و بررسی ادبیات تحقیق و دیدگاه پژوهشگران درباره اثربخشی نقش مشارکت در ریشه‌کنی فقر، مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با فقر، با تأکید بر نقش زنان شناسایی و معرفی شد. آن‌گاه برای اعتبارسنجی نتایج یافته‌ها با روش دلفی برای نظرسنجی از متخصصان امر در سرتاسر جهان اقدام شد. این متخصصان از میان استادان دانشگاه میرز در امر مطالعات اقتصادی و اجتماعی درباره فقر و نیز کارشناسان و مسؤولان مؤسسه‌های غیرانتفاعی فعال در زمینه فقرزدایی و جوانان انتخاب شدند. به این ترتیب نتایج و یافته‌های اصلی برای بیش از ۲۰ متخصص خبره در سطح جهان ارسال شد و آرای آن‌ها اخذ شد. آن‌گاه نتایج به دست آمده و پیشنهادهای مطرح شده، مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات موردنیاز در فراگردهای پیشنهادی اعمال شد.

یافته‌های حاصل از تطبیق اسناد

ضمن بررسی هم‌راستایی سند ملی توسعه ویژه فرابخشی سامان‌دهی امور جوانان با مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، نتایج قابل تأملی حاصل شد. جدول ۵، گزاره‌های اصلی سند ملی توسعه ویژه فرابخشی سامان‌دهی امور جوانان را در مقایسه با مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد نشان می‌دهد.

جدول ۵: گزاره‌های سند توسعه ویژه سامان‌دهی امور جوانان، مرتبط با اهداف توسعه هزاره

سازمان ملل متحد (سند توسعه ویژه سامان‌دهی امور جوانان، ۱۳۸۶)

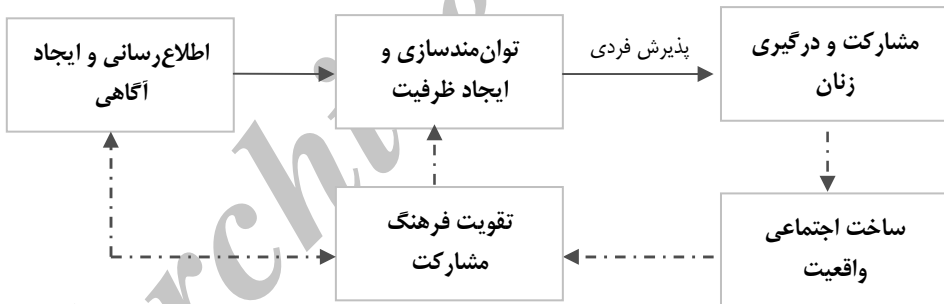
شماره هدف مرتبط	مأخذ	گزاره‌های مبنایی	
۸	مقدمه	تعامل سازنده و مؤثر کشور در روابط بین الملل ضرورت دارد.	۱
۱	۲- امکانات و قابلیت‌های امور جوانان	نقش جوانان در سرعت بخشی به تحول اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.	۲

۳	ارتباطات جوانان با سایر کشورها باید از راه فضاهای مجازی افزایش پیدا کند.	۲- امکانات و قابلیت‌های امور جوانان	۸
۴	کیفیت زندگی در بعد زیستی باید به طور بنیادی ارتقا پیدا کند.	۴-۱-۱- هدف کلی توسعه امور جوانان	۱
۵	نیازهای اساسی جوانان باید با ایجاد فضای امن و سالم تأمین شود.	۴-۲-۲- اهداف کیفی توسعه امور جوانان	۱ و ۶
۶	با تأکید بر کارآفرینی و کارگستری برای جوانان در اقتصاد، با محوریت فناوری اطلاعات و ارتباطات، باید زمینه اشتغال پایدار آنان افزایش پیدا کند.	۴-۲-۲- اهداف کیفی توسعه امور جوانان	۱
۷	به منظور کسب بهترین تجارب جهانی و انتقال آن به سطوح مدیریتی و کارشناسی تصمیم‌ساز کشور، باید سطح تعاملات بین‌المللی تقویت شود.	۵-الف- راهبردها و راهکارهای فرابخشی	۸
۸	ضریب اشتغال جوانان باید افزایش پیدا کند.	۵-ب- راهبردها و راهکارهای بخشی	۱
۹	همواره باید شاخص‌های مربوط به ارتقای سطح کیفیت زندگی جوانان، اندازه‌گیری شود.	۵-ب- راهبردها و راهکارهای بخشی	۱
۱۰	زمینه‌سازی در جهت اشتغال‌زایی برای جوانان اولویت دارد.	۶-۴- اقدامات اجرایی سند	۱
۱۱	با تدوین برنامه ویژه اشتغال جوانان، باید دسترسی جوانان به فرصت‌های شغلی برابر میسر شود.	۶-۴- اقدامات اجرایی سند	۱
۱۲	باید سطح دسترسی جوانان به بیمه‌های اجتماعی افزایش پیدا کند.	ب-۵- اقدامات اجرایی سند	۶
۱۳	سازمان‌های غیردولتی ویژه جوانان، باید با ملاحظات کمیت و کیفیت خدمات خود، ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی جوانان را مورد توجه قرار دهند.	ب-۷- اقدامات اجرایی سند	۱
۱۴	تلاش برای تأمین سلامت جسمانی، بهداشت و تغذیه جوانان ضرورت دارد.	ب-۸- اقدامات اجرایی سند	۶
۱۵	با تأکید بر مطالعات علمی و پژوهشی، باید تعاملات بین‌المللی جوانان را توسعه داد.	ب-۹- اقدامات اجرایی سند	۸
۱۶	باید برای اصلاح نگرش جوانان به شیوه‌های تأمین مسکن و توانمندسازی آنان در امر معاش اقدام شود.	ب-۱۱- اقدامات اجرایی سند	۱

گزاره‌های اصلی استخراج شده از سند توسعه ویژه امور جوانان با سه مورد از مجموعه اهداف هشت‌گانه توسعه هزاره سازمان ملل متحد (یعنی اهداف ۱، ۶ و ۸) مرتبطند؛ به گونه‌ای که در حدود ۵۹ درصد از گزاره‌های اصلی استخراج شده با نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، یعنی ریشه‌کنی فقر و گرسنگی مطلق و بهبود وضعیت اقتصادی مردم ارتباط دارند. آن گونه که نتایج تحلیل محتوا و مطالعه تطبیقی نشان می‌دهند، در مجموع سند توسعه ویژه سامان‌دهی امور جوانان به دفعات، هدف نخست از مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، یعنی ریشه‌کنی فقر و گرسنگی مطلق را مد نظر قرار داده است.

بحث - اهمیت رسیدگی به الزام‌های توان‌مندسازی زنان

مفروضات اصلی پژوهشگران آن است که آموزش و آگاهی زنان از اهداف توسعه هزاره و توانمندی آن‌ها برای مشارکت فعالانه در عرصه‌های اجتماع، نقش مهمی در استفاده از سرمایه ارزشمند جوانان (به‌ویژه دختران) در جهت توسعه کشور و تحقق اهداف آرمانی و عدالت خواهانه سازمان ملل متحد خواهد داشت.



شکل ۱: مدل فراگرد مشارکت موثر زنان در برنامه‌های توسعه و پروژه‌های فقرزدایی

همان گونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، نخستین گام در جهت بهره‌گیری از مشارکت فعالانه زنان در برنامه‌های توسعه، ایجاد آگاهی و اطلاع‌رسانی درباره اهمیت گذار از وضعیت موجود و ضرورت نیاز برای تغییر است. مرحله بعد، توان‌مندسازی و ایجاد ظرفیت در زنان است. چنان چه با بهبود مهارت‌ها و توسعه مبانی شناختی بانوان در جهت پذیرش ضرورت نیاز به تغییر همراه شود، به مشارکت فعالانه آن‌ها منجر خواهد شد. قابل تأمل است که با مرور زمان و براساس نظریه ساخت

اجتماعی واقعیت، چنین فعالیت و مشارکتی می‌تواند به جریان‌سازی و توسعه یک جنبش اجتماعی اصلاحی در میان دختران منجر شود.

به موازاتی که دختران برای مشارکت مؤثر در عرصه‌های گوناگون جامعه و همکاری برای تحقق برنامه‌های توسعه‌ای و اهداف توسعه هزاره، توان‌مند می‌شوند و به فعالیت داوطلبانه می‌پردازند، شرایط ساخت اجتماعی واقعیت و توسعه جنبش فقرزدایی و فقرستیزی در میان جوانان فراهم می‌شود. ساخت اجتماعی واقعیت^۱، به این معناست که افراد و گروه‌هایی که در یک سیستم اجتماعی با یکدیگر تعامل داشته و فعالیت می‌کنند، با گذشت زمان، مفاهیم و باورهای ذهنی دیگر افراد را شکل می‌دهند؛ این مفاهیم در نهایت به شکل یک عادت در رفتار شکل داده شده و از سوی طرفین در مقابل یکدیگر بروز داده می‌کند (Berger & Luckmann, 1966: 51-61). به این ترتیب، فرهنگ مشارکت و فعالیت در میان دختران و زنان جوان نهادینه می‌شود. اهمیت توسعه این معانی در میان زنان از آن روست که معمولاً نسل‌های آینده به‌وسیله بانوان تربیت می‌شوند و به‌ویژه گزاره‌های اولیه ذهن آن‌ها به‌وسیله مادران، صورت‌بندی می‌شود. بنابراین دیدگاه زنان درباره فقر، ضرورت فقرزدایی، امکان فقرزدایی و امید به موفقیت در این راستا بسیار حایز اهمیت است. در همین امتداد ضرورت پژوهش درباره دیدگاه‌های دختران جوان درباره فقر توجیه می‌شود. در مرحله بعد، دیدگاه‌های پژوهشگران در معرض قضاوت صاحب‌نظران جهان قرار داده شد. سپس در مرحله پایانی با تمرکز بر وضعیت ایران و مراتب تطبیق سند هزاره با سند توسعه ویژه سامان‌دهی امور جوانان بررسی شد. بر این اساس زمینه‌ای برای تحلیل آینده‌نگرانه نقش دختران جوان بر آینده فقر در ایران فراهم آمد؛ مبنی بر این که اگر اهداف توسعه هزاره به نحو قوی‌تری در برنامه‌های ملی ایران منعکس شود و جوانان و به‌ویژه دختران جوان بر مبارزه با فقر برانگیخته شوند، می‌توان آینده‌ای متفاوت را برای ایران تصور کرد.

نتیجه‌گیری

فقر پدیده‌ای اجتماعی است که آثار مخرب آن گریبان‌گیر میلیاردها نفر در نسل‌های پیاپی است. علی‌رغم همه برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای ریشه‌کنی فقر، کماکان بسیاری از مردم جهان در چنگال این پدیده شوم گرفتارند. بنابراین مبارزه با فقر اهمیت دارد و نحوه مواجهه با آن نیز بسیار حایز اهمیت است؛ به‌ویژه در یک رویکرد آینده‌پژوهانه، تأثیر دیدگاه جوانان به آن بسیار مهم و تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. در میان جوانان نیز می‌توان بر نقش دختران به مثابه نقشی متمایز از حیث تأثیر بر دیدگاه‌های نسل آینده تأکید بیش‌تری کرد؛ زیرا نسل‌های آینده بیش‌تر تحت تأثیر نقش دختران قرار دارند. بنابراین فقر دختران و هم‌چنین دیدگاه آنان درباره امکان‌پذیری مقابله با فقر، تأثیر اجتناب‌ناپذیری بر نحوه مواجهه آیندگان با فقر دارد. از این رو به نظر می‌رسد که استفاده از نقش مؤثر جوانان

و به‌ویژه بانوان جوان با توجه به توان‌مندی‌ها و ظرفیت‌های بالای آن‌ها و نیز این واقعیت که آنان آینده‌ساز و تربیت‌کننده نسل‌های بعدی جامعه‌اند، در فراگرد ریشه‌کنی فقر بسیار حایز اهمیت است. بنابراین ضرورت دارد که بر این موضوع مهم به طور جدی تأمل شود. پس از ارزیابی فرافرهنگی دیدگاه دختران جوان درباره فقر و ضرورت فقرزدایی، وضعیت اخیر ایران به مثابه یک مطالعه موردی مورد بررسی قرار گرفت.

در این مطالعه با در نظر گرفتن اهمیت خط‌مشی‌های عمومی از حیث تأثیر بر فقر در آینده، سند ملی توسعه امور جوانان در ایران و مراتب هم‌راستایی آن با برنامه توسعه هزاره، به مثابه یک سند مشعر بر عزم جهانی خط‌مشی‌گذاران دولتی بر امحاء فقر بررسی شد. نتایج پژوهش ضمن تأیید هم‌راستایی نسبی گزاره‌های نسبی این سند با مجموعه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، فراگرد مشارکت فعالانه زنان را در برنامه‌های توسعه و دیدگاه آنان درباره امکان ریشه‌کنی فقر مورد تأمل قرار داد. بر این اساس به نظر می‌رسد که زمینه قانونی و فضای عمومی حاکم بر سیستم خط‌مشی‌گذاری برای ایجاد یک جریان اجتماعی اثرگذار بر ریشه‌کنی فقر آماده است؛ این برنامه باید فراگیر و گسترده باشد و همه نهادها و اعضای جامعه را درگیر سازد ولی به هر حال دختران جوان می‌توانند نقش ویژه‌ای در موفقیت آن داشته باشند.

منابع

- برنامه توسعه ملل متحد در ایران (۱۳۸۳) « آرمانهای توسعه هزاره چه هستند؟ ». <http://www.undp.org.ir/MDGsf.aspx> (تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۸۷/۲/۱۴).
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷) مبانی دانش اداره دولت و حکومت. سازمان مطالعه و تدوین تهران: سمت.
- خبرنامه امیرکبیر (۱۳۸۴) « آخرین شاخص‌های آماری حوزه زنان ». پایگاه خبری تحلیلی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران).
- <http://www.autnews.info/archives/1384,12,00091> (تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۸۷/۲/۱۴)
- سایت مجلس شورای اسلامی. www.majlis.ir (تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۸۷/۲/۱۴)
- سند توسعه ویژه (فرابخشی)؛ (۱۳۸۶) *سلماندهی امور جوانان*. شورای عالی جوانان.
- علاءالدینی، پویا و محمدرضا رضوی؛ (۱۳۸۶) « وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران ». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱۲، صص. ۱۳۴-۱۳۵.
- محمودی، وحید (۱۳۸۶) *اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران*. سازمان مطالعه و تدوین، سمت، تهران، ۱۳۸۶.

- Ad Hoc Working Group for Youth and the MDGs(2005). "Youth and the Millennium development goals: Challenges and opportunities for implementation". [On-line], Available: http://www.un.org/ir:80/Pub_Gallery/Publications/mdg/mdgyouthpaper.pdf.
- Banik, Dan(2008) Rights and Legal Empowerment in Eradicating Poverty; Ashgate,.
- Berger, P. L. and T. Luckmann (1966) *The social construction of reality: A treatise in the sociology of knowledge*, Garden City, NY: Anchor Books.
- Bigsten, Arne, Kebede Bereket, Shimeles Abebe and Tadesse Mekonnen (2003) Growth and poverty reduction in ethiopia: Evidence from household panel surveys; *World Development*, Vol. 31, Issue 1, January, pp: 87-106,
- Burton, E. (1992); *The poverty debate: Politics and the poor in America*; Greenwood Press, Westport, CT.
- Chakravarty, S. R. ; "A new index of poverty";*Mathematical Social Science*, Vol. 6, 1983, pp: 307-13.
- Chant, S. (2003) "Female household headship and the Feminization of poverty facts, fictions and forward strategies", *London School of Economics/Gender Institute*, New Working Paper Series, Issue 9.
- Curtis, D. (2006) "Mind sets and methods: poverty strategies and the awkward potential of the enabling state", *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 19 No. 2, pp: 150-164.
- Elahi, K. Q. and C. P. Danopoulos (2004) "Microcredit and the third world; perspectives from moral and political philosophy", *International Journal of Social Economics*, Vol. 31 No. 7, , pp: 643-654.
- Foster, J. E. , J. Greer and , E. Thorbecke(1984) "A class of decomposable poverty indices", *Econometrica*, Vol. 52, , pp: 61-6.
- Hong, Y. P. and S. Pandey (2007) "Human capital as structural vulnerability of US poverty". *Equal Opportunities International*, Vol. 26, No. 1, , pp: 19-27.

- Hye, H. A. (1996) *Below the Line: Rural Poverty in Bangladesh*, Chapter IV, University Press Limited, Dhaka, , p: 112.
- Jimba, S. W. (2000) "Information technology and the dialectics of poverty in Africa", *New Library World*, Vol. 101, No. 1158, , pp: 253-262.
- Kabeer, N. (1996) "Agency, Well-Being and Inequality: Reflections on the Gender Dimension of Poverty", *IDS Bulletin*, Institute of Development Studies (IDS), Vol. 27 No. 1, , pp: 11-21.
- Kakwani, N. C. (1980) *Income Inequality and Poverty*, Oxford University Press, New York.
- Keller, cited in Malhotra et al. (2002) "Measuring women's empowerment as variable in international development", *World Bank*, Jun. , pp: 5-6.
- Mestrum, Francine (2005) *Poverty reduction and sustainable development t*; Springer Netherlands,.
- Millennium Project* (2008) Millennium development compact , Communications Development Incorporated, [On-line], Available: <http://www.undp.or.id/mdg/documents/Millennium%20Development%20Compact.pdf> ,.
- Narayan-Parker, Deepa(2002) *Empowerment and Poverty Reduction: A Sourcebook (Directions in Development)*, World Bank Publications,.
- O'Boyle, E. J. (1998) "Transitions into and out of poverty", *International Journal of Social Economics*, Vol. 25 No. 9, , pp: 1411-1424.
- Pourezat, Ali Asghar (2009) Good e-governance: Toward a good administrative structure to achieve truth-oriented justice". *The International Conference on Economics and Administration*, Faculty of business and Administration. Romania. Bucharest. 14-15th November.
- Puthenkalam, John Joseph (2004) *Empowerment: Sustainable human development strategy for Poverty alleviation*; Rawat Publications,
- Ranpk, M. R. (1994) *Living on the Edge: The Realities of Welfare in America*; Columbia University Press, New York: .

- Satterthwaite, D. (2003) *The millennium development goals and local processes. Hitting the target or missing the point?*. IIED, London: .
- Sen, A. (1976) "Poverty: an ordinal approach to measurement", *Econometrica*, Vol. 46, , pp: 437-46.
- Shorrocks, A. (1995) "Revisiting the sen poverty index"; *Econometrica*, Vol. 63 , p: 1225-30.
- Spreitzer, G. M. (1995) "Psychological empowerment in the workplace: construct definition, measurement and validation", *Academy of Management Journal*, No. 38, , pp: 1442-65.
- Thon, D. (1986) "A poverty measure", *Indian Economic Journal*, Vol. 30 , pp: 55-70.
- Thon, D. (1979) "On measuring poverty", *Review of Income and Wealth*, Vol. 25, pp: 429-40.
- Todaro, Michael P. (1997) *Economic Development*, Sixth edition, Longman.
- Ullah, A. K. M. A. and J. K. Routray (2007) "Rural poverty alleviation through NGO interventions in Bangladesh: how far is the achievement?", *International Journal of Social Economics*, Vol. 34 No. 4, , pp: 237-248.
- UNICEF (2003) *Adolescents: Profiles in empowerment*, The United Nations Children's Fund (UNICEF), New York,.
- United Nations (2007a) *Africa and the millennium development goals*, UN Department of Public Information,.
- United Nations (2002) *The Millennium development goals and the united nations role*, Published by the United Nations Department of Public Information,.
- United Nations (2007b) *The Millennium Development Goals Report*, New York.
- United Nations (2003) *The World Youth Report*, Department of Economic and Social Affairs,.
- UNV (2003) *Volunteers and the millennium development goals*, United Nations Volunteers, World Volunteer Web, CIVICUS House, and IAVE,.

Wilson, Dorothy J. & Thoma Wilson (December 2005) Social justice and reform of social security, *Social Policy Administration*, Vol. 29, No. 4, , Blackwell.

World Bank (2004) *Partnerships in development– progress in the fight against poverty*, The World Bank Group,

Archive of SID